# جلسه سوم 15/6/1393

دو نکته:

نکته اول: محقق داماد فرمود صحیحه رفاعه که یبنی علی یقینه داشت، در مقام توهم حظر است، یعنی یجوز له البناء علی الاقل و با روایاتی که می گوید الاعادة احب و افضل منافاتی ندارد.

ما اشکال کردیم که مقام، مقام جهل به وظیفه و بیان آن بوده است و امر در این مقام، ظهور در وجوب دارد و نهایتا حمل بر استحباب می شود، نه این که مقام توهم حظر بوده باشد.

امروز اضافه می کنیم که نمی دانیم ایشان صحیحه حنان بن سدیر را چگونه توجیه می کند: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْن‏ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ طَافَ فَأَوْهَمَ قَالَ طُفْتُ أَرْبَعَةً أَوْ طُفْتُ ثَلَاثَةً فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَيَّ الطَّوَافَيْنِ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ أَمْ طَوَافَ فَرِيضَةٍ قَالَ إِنْ كَانَ طَوَافَ فَرِيضَةٍ فَلْيُلْقِ مَا فِي يَدَيْهِ وَ لْيَسْتَأْنِفْ وَ إِنْ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ فَاسْتَيْقَنَ ثَلَاثَةً وَ هُوَ فِي شَكٍّ مِنَ الرَّابِعِ أَنَّهُ طَافَ فَلْيَبْنِ عَلَى الثَّلَاثَةِ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ.[[1]](#footnote-1)

روایت فرموده اگر کسی در عدد اشواط طواف شک کند، اگر طواف فریضه باشد آن را رها کند و اگر نافله باشد، بناء بر اقل جایز است، تقسیم مذکور در این روایت قاطع شرکت است و معنایش عدم جواز بناء بر اقل در طواف فریضه است، نه این که صرفا رجحان نداشته باشد.

ان قلت: مورد صحیحه حنان بن سدیر، شک در شش و هفت که نیست، شک در سه و چهار است و شاید محقق داماد فقط در شک بین شش و هفت فرموده باشد که بناء بر اقل جایز است در طواف فریضه.

قلت: ایشان چنین تفصیلی نداده و مطلقا فرموده در شک در عدد اشواط فریضه، بناء بر اقل جایز است و ظاهرا هم تفصیل وجهی ندارد و متفاهم عرفی، عدم خصوصیت شک بین سه و چهار در صحیحه حنان بن سدیر است، البته در نماز، شک در دو رکعت اول فرق می کند، اما چون فقط دو رکعت اول فریضه است، اما طواف بتمامه فریضه است.

این هم که الاعادة احب و افضل را قرینه بر عدم وجوب اعاده طواف گرفته اند نیز صحیح نیست، زیرا روایت می گوید شخصی بین شش و هفت شک کرده، امام علیه السلام فرمود: فلیعد طوافه، منصور می پرسد ففاته از او اعاده طواف فوت شده است، حضرت در این جا فرمود: ما اری علیه شیئا و الاعادة احب الی و افضل، لذا عدم وجوب اعاده طواف در فرض فوت مطرح شده و نه این که به اصل مطلب بخورد.

نکته دوم: محقق خوئی در رابطه با صحیحه منصور بن حازم که دارد رجل طاف طواف الفریضة، فرموده یا باید بر شک بعد از فراغ حمل شود و یا بر طواف مستحب است، این حمل دوم قطعا غلط است بعد از این که در روایت طاف طواف الفریضة آمده است و احتمالا سهوی صورت گرفته است.

## (مسألة 318)

***اذا شك بين السادس و السابع و بنى على السادس جهلا منه بالحكم و أتم طوافه ‌لزمه الاستيناف و إن استمر جهله إلى ان فاته زمان التدارك لم تبعد صحة طوافه.[[2]](#footnote-2)***

توضیح این مساله و وجه آن گذشت.

## (مسألة 319)

***يجوز للطائف أن يتكل على احصاء صاحبه في حفظ عدد أشواطه‌إذا كان صاحبه على يقين من عددها.[[3]](#footnote-3)***

در طواف می شود بر احصاء دیگران اعتماد نمود، حتی اگر اطمینان از صحت احصاء آن طرف حاصل نشود و آن طرف ثقه هم نباشد، مهم این است که احصاء کرده باشد، در روایت آتیه که دلیل بر این مساله است نیز سخن از احصاء می باشد و احصاء باید معلوم باشد، ولی سخن از قول شخص دیگر نیست که وثاقت خود شخص لازم باشد، بلکه مهم این است که واقعا احصاء کند، گرچه احتمال اشتباه در احصاء او برود:

صحیحه سعید الاعرج: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الطَّوَافِ أَ يَكْتَفِي الرَّجُلُ بِإِحْصَاءِ صَاحِبِهِ فَقَالَ نَعَمْ.[[4]](#footnote-4)

برخی همچون آیت الله سیستانی گفته اند این حکم مختص به احصاء در طواف است و قابل تعدی به سعی نیست، چون در سعی دلیلی ندارد، اما به نظر ما در سعی هم الغاء خصوصیت می شود، بله، به غیر از احصاء از امور ظن آور نمی شود تعدی نمود، مثل این که وسیله ای ساخته شود که شوط شماری کند، ولی احتمال بدهد که اشتباهی صورت گرفته است، که دلیلی بر جواز اعتماد بر آن نیست.

## (مسألة 320)

***اذا شك في الطواف المندوب‌يبني على الأقل و صح طوافه.[[5]](#footnote-5)***

در شک در اشواط طواف مندوب بنا بر اقل گذاشته می شود و دلیل آن برخی روایات است، همچون معتبره حنان بن سدیر: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْن‏ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ طَافَ فَأَوْهَمَ قَالَ طُفْتُ أَرْبَعَةً أَوْ طُفْتُ ثَلَاثَةً فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَيَّ الطَّوَافَيْنِ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ أَمْ طَوَافَ فَرِيضَةٍ قَالَ إِنْ كَانَ طَوَافَ فَرِيضَةٍ فَلْيُلْقِ مَا فِي يَدَيْهِ وَ لْيَسْتَأْنِفْ وَ إِنْ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ فَاسْتَيْقَنَ ثَلَاثَةً وَ هُوَ فِي شَكٍّ مِنَ الرَّابِعِ أَنَّهُ طَافَ فَلْيَبْنِ عَلَى الثَّلَاثَةِ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ.[[6]](#footnote-6)

و همچنین روایت ابی بصیر: وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ شَكَّ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ قَالَ يُعِيدُ كُلَّمَا شَكَّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ شَكَّ فِي طَوَافِ نَافِلَةٍ قَالَ يَبْنِي عَلَى الْأَقَلِّ.[[7]](#footnote-7)

البته در مرسله صدوق آمده: وَ سُئِلَ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ لَا يَدْرِي ثَلَاثَةً طَافَ أَوْ أَرْبَعَةً قَالَ طَوَافَ نَافِلَةٍ أَوْ فَرِيضَةٍ قِيلَ أَجِبْنِي فِيهِمَا جَمِيعاً قَالَ إِنْ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ فَابْنِ عَلَى مَا شِئْتَ وَ إِنْ كَانَ طَوَافَ فَرِيضَةٍ فَأَعِدِ الطَّوَافَ.[[8]](#footnote-8)

ظاهر مرسله، جواز بناء بر اکثر در شک در عدد اشواط در طواف نافله است، شبیه آن چه فقهاء در نماز مستحب در شک در عدد بین یک و دو گفته اند که البته دلیل واضحی هم ندارد و در آن جا هم به نظر ما طبق استصحاب باید بناء بر اقل بگذارد و این که در روایات گفته شده: لا سهو فی النافلة، معنایش تخییر نیست، بلکه ظاهرش این است که احکام سهوی که در فریضه است، در نماز نافله تشریع نشده است.

در طواف نافله هم این مرسله وارد شده و ظاهرش جواز بناء بر اکثر است، ولی سندش ضعیف است و از این جهت قابل استدلال نیست.

## (مسألة 321)

*اذا ترك الطواف في عمرة التمتع عمدا مع العلم بالحكم أو مع الجهل به و لم يتمكن من التدارك قبل الوقوف بعرفات‌بطلت عمرته و عليه إعادة الحج من قابل و قد مرّ أن الأظهر بطلان إحرامه أيضا لكن الأحوط أن يعدل الى حج الأفراد و يتمه بقصد الأعم من الحج و العمرة المفردة و إذا ترك الطواف في الحج متعمدا و لم يمكنه‌ التدارك بطل حجه و لزمته الاعادة من قابل و إذا كان ذلك من جهة الجهل بالحكم لزمته كفارة بدنة أيضا.[[9]](#footnote-9)*

### ترک طواف در عمره تمتع عمدا

این فرع قبلا بحث شده و گفته شد که اگر کسی ترک طواف عمره تمتع کند و قبل از وقوف به عرفات آن را بجا نیاورد، چه جاهل به حکم باشد و چه عالم به حکم، حجش باطل است، البته مشهور گفته اند اگر طواف باطل بجا بیاورد، حجش صحیح است، بر خلاف جایی که به طور کلی ترک طواف شود، اما به نظر ما در این فرض هم حج باطل است.

اما فعلا بحث در این است که در این مساله، مرحوم خوئی فرموده ترک طواف عمره تمتع از روی جهل به حکم، عمره و احرام را باطل می کند، ولی کفاره بدنه ندارد، این کفاره در صورتی است که طواف حج را از روی جهل به حکم ترک کند، نه کسی که ترک طواف عمره تمتع کند.

دلیل کلام ایشان، صحیحه علی بن یقطین است که در مورد ترک طواف وارد شده و در خصوص ترک طواف حج عن جهل بالحکم، حکم به وجوب نحر بدنه کرده، یعنی هم باید متروک، طواف حج باشد و هم ترک طواف از روی جهل باشد و نه از روی علم: مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ جَهِلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ قَالَ إِنْ كَانَ عَلَى وَجْهِ الْجَهَالَةِ فِي الْحَجِّ أَعَادَ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.[[10]](#footnote-10)

ان قلت: اگر وجوب کفاره مختص به جاهل شود، لازم می آید که تارک طواف از روی علم به حکم، اسوأ حالا از جاهل باشد.

قلت: ممکن است چون حال عالم اسوأ است، کفاره مشکل را حل نکند و شبیه و من عاد فینتقم الله منه شود و صرفا عقوبت اخروی در انتظار او باشد.

ان قلت: حج اعم از عمره تمتع است و لذا در ترک طواف عمره تمتع هم باید کفاره بدنه داده شود.

قلت: گاهی حج گفته می شود و شامل عمره تمتع می شود و گاهی هم در مقابل عمره تمتع بکار می رود و لذا ظهور در اعم ندارد.

#### ترک طواف از روی جهل قصوری به حکم

اگر کسی از روی جهل قصوری ترک طواف کرده باشد، کفاره هم باید بدهد، به دلیل صحیحه علی بن یقطین که اطلاق دارد و شامل جاهل مقصر و قاصر هر دو می شود.

ان قلت: کفاره عقوبت است و عقوبت انصراف از جاهل قاصر دارد، زیرا جاهل قاصر مستحق عقوبت نیست.

قلت: گرچه این مطلب صحیح است و ما بر خلاف مشهور در ارتداد هم قائلیم که اگر شخص مرتد، قاصر باشد، حد قتل از او برداشته می شود، اما نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که کفاره در همه جا از باب عقوبت نیست و گاهی از باب جبر نقص است و معلوم نیست کفاره بدنه در ترک طواف حج از روی جهل، از باب عقوبت باشد و شاید از باب جبر نقص باشد که در این صورت شامل جاهل قاصر هم خواهد گشت.

ان قلت: بعد از این که حج باطل است، جبر نقصی نخواهد حاصل شد.

قلت: گرچه حج باطل شده، اما نقصی در خود مکلف به سبب ترک طواف حج به وجود می آید، و شاید شارع برای جبران این نقص، حکم به وجوب بدنه کرده باشد.

نکته دیگر این که «علیه بدنة» در صحیحه علی بن یقطین، مخصص صحیحه عبد الصمد بن بشیر می شود که می گفت «ای رجل رکب امرا بجهالة فلاشیء علیه» چون اطلاق خاص بر عموم عام مقدم است ولو عام، دلیل حاکم باشد کما فی المقام، و لکن باز هم اطلاق مخصص بر آن مقدم است، دلیل حاکم فقط این امتیاز را دارد که اگر عموم من وجه با دلیل دیگر شود، با آن معارضه نمی کند، بلکه به سبب قرینیت و نظارت شخصیه، بر دلیل دیگر مقدم می شود.

1. وسائل الشيعة ج‏13 361 33 باب أن من شك في عدد أشواط الطواف الواجب في السبعة و ما دونها وجب عليه الاستئناف فإن خرج و تعذر فلا شي‏ء عليه و في المندوب يبني على الأقل و يتم فإن شك بعد الانصراف لم يلتفت مطلقا ..... ص : 359 [↑](#footnote-ref-1)
2. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 141‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 141‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة ج‏13 419 66 باب جواز الاكتفاء في عدد الأشواط بإحصاء الغير رجلا كان أو امرأة و حكم اختلافهما ..... ص : 419 [↑](#footnote-ref-4)
5. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 141‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة ج‏13 361 33 باب أن من شك في عدد أشواط الطواف الواجب في السبعة و ما دونها وجب عليه الاستئناف فإن خرج و تعذر فلا شي‏ء عليه و في المندوب يبني على الأقل و يتم فإن شك بعد الانصراف لم يلتفت مطلقا ..... ص : 359 [↑](#footnote-ref-6)
7. وسائل الشيعة ج‏13 362 33 باب أن من شك في عدد أشواط الطواف الواجب في السبعة و ما دونها وجب عليه الاستئناف فإن خرج و تعذر فلا شي‏ء عليه و في المندوب يبني على الأقل و يتم فإن شك بعد الانصراف لم يلتفت مطلقا ..... ص : 359 [↑](#footnote-ref-7)
8. وسائل الشيعة ج‏13 360 33 باب أن من شك في عدد أشواط الطواف الواجب في السبعة و ما دونها وجب عليه الاستئناف فإن خرج و تعذر فلا شي‏ء عليه و في المندوب يبني على الأقل و يتم فإن شك بعد الانصراف لم يلتفت مطلقا ..... ص : 359 [↑](#footnote-ref-8)
9. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 141‌ [↑](#footnote-ref-9)
10. الإستبصار فيما اختلف من الأخبار ج‏2 228 149 باب من نسي طواف الحج حتى يرجع إلى أهله ..... ص : 228 [↑](#footnote-ref-10)